برتری حضرت زهرا سلام الله علیها بر تمام زنان ـ عبدالعزیز غماری شافعی/ عبدالحسین طالعی
فصلنامه تخصّصی مطالعات قرآن و حدیث **سفینه**
سال یازدهم، شماره ۴۳ «ویژه پژوهش‌های فاطمی»، تابستان ۱۳۹۳، ص ۱۶۲ ـ ۱۸۰

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.11.43.4.3]

برتری حضرت زهرا سلام الله علیها بر تمام زنان

عبدالعزیز بن محمدصدیق غماری مغربی شافعی (۱۳۳۸ – ۱۴۱۸)
تحقیق: سیدحسن حسینی‌آل‌مجدد
ترجمه: عبدالحسین طالعی *

چکیده: نویسنده که از محدّثان بزرگ اهل تسنن در سالهای اخیر است، در این گفتار به نقد کلام ابوبکر ابن عربی معافری در کتاب عارضة الاحوذی بشرح جامع الترمذی می‌پردازد. معافری در آن کتاب، ضمن بحث در مورد روایات فضائل حضرت فاطمه، افضلیت آن حضرت را ردّ کرده و عایشه را از او برتر دانسته است.

غماری بر اساس احادیث صحیح و ادلهٔ عقلی و نیز به کمک سخنان شارحان سنی به ویژه ابن حجر عسقلانی در فتح الباری، ابوجعفر طحاوی در مشکل الآثار، و بدرالدین زرکشی در الاجابة، دیدگاه خود را تأیید کرده و برتری فاطمه زهرا علیها السلام بر تمام بانوان را ثابت می‌کند.

کلیدواژه‌ها: فاطمه زهرا –افضلیت / عایشه/ معافری، ابوبکر/ عارضة الاحوذی (کتاب)/ عسقلانی، ابن حجر/ فتح الباری (کتاب)/ حدیث، درایه.

---

*. عضو هیئت علمی دانشگاه قم، دانشجوی دوره دکترای دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات Taleie20@gmail.com

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.11.43.4.3]

مقدمه

یکی از مسائل مورد توجه محدّثان، برتری حضرت فاطمه زهرا سلام‌الله‌علیها بر تمام بانوان جهان است. در میان محدثان شیعه، این مطلب بدون اختلاف پذیرفته شده است. در میان محدثان تسنن، بسیاری از آنها مطلب را بر اساس احادیث صحیح پیامبر پذیرفته‌اند، ولی شماری از آنها در این مورد استثنا زده‌اند. مثلاً برتری حضرت مریم یا برتری عایشه همسر پیامبر را مطرح کرده‌اند. در این گفتار، نویسنده – که از دانشوران معاصر اهل تسنن است – این بحث را مطرح کرده و نقد کلام ابوبکر ابن عربی معافری را مورد نظر قرار داده که ابتدا در تفضیل میان دختر و همسر پیامبر، تردید کرده، سپس افضلیت همسر پیامبر را برگزیده است.

اصل مقاله به زبان عربی در نشریه علوم الحدیث شماره ۱۴ص۱۶۲–۱۸۲ به نقل از کتاب چاپ نشدهٔ السوانح نوشته غماری برگرفته شده که سیدحسن آل‌مجدد به تحقیق و تعلیق آن پرداخته است.

نویسنده در این پژوهش، چند گروه از اخبار منابع تسنن و دیدگاه‌های محدثان در شرح آنها را در مورد فضیلت حضرت زهرا بر مبنای شیوه‌های علم الحدیثی تسنن ارزیابی می‌کند. بدین ترتیب، به بررسی کلام معافری در دو کتابش: احکام‌القرآن و تحفة الاحوذی بشرح جامع الترمذی می‌نشیند.

بدین روی، این گفتار، جدا از اهمیت اصل موضوع، در زمینهٔ ارائهٔ روش‌های علمی در ارزیابی احادیث و روش جمع میان احادیث متعارض نیز به کار می‌آید.

درباره نویسنده

علامه محدث ابوالیسر جمال‌الدین عبدالعزیز بن محمدصدیق حسنی غماری مغربی طنجی- محدث بزرگ اهل سنت - در ماه جمادی الاولی سال ۱۳۳۸ قمری در شهر طنجه در دیار مغرب دیده به جهان گشود. دروس مقدماتی را در مغرب آموخت و در

سال ۱۳۵۵ برای ادامه تعلم به قاهره رفت. در این میان به علم الحدیث علاقه و اهتمام ویژه یافت و بیشتر تلاش علمی خود را در باب آن سامان داد. پس از بازگشت به طنجه در آنجا نیز به تحقیق در این مورد ادامه داد تا اینکه در ۱۵ ماه‌رجب ۱۴۱۸ قمری درگذشت و در همان دیار دفن شد.

وی در باب محبت اهل بیت به ویژه امام علی‌بن‌ابی‌طالب علیه‌السلام بحثها و مناظرات جدی با نواصب داشت.

از جمله چند پاسخ به کلام ابوبکر بن العربی‌مالکی اندلسی معافری که در کتاب خود (عارضة الاحوذی – شرح سنن ترمذی) احادیث فضائل را مورد انکار، تأویل، تضعیف و تخفیف قرار داده است.

پاسخ‌های غماری در کتاب «السوانح» (مجموعه یادداشت‌ها) آمده است. این کتاب ضخیم در۵۷۹ صفحه نکات فراوان در باب تفسیر و حدیث و تاریخ و موضوعات دیگر در بر دارد که در تاریخ ۱۷ شعبان ۱۳۹۴ به پایان برده است.

غماری در کتاب دیگر خود –الاختیارات– در باب برتری علی علیه‌السلام بر دیگر صحابه سخن گفته، نکته‌ای که در مقدمه کتاب دیگر خود (الافادة بطرق حدیث النظر الی علی عبادة –مندرج در شماره سوم علوم الحدیث) به تفصیل در باره آن سخن می‌گوید.

مترجم این مقاله، پیش از این دو گفتار از او ترجمه کرده است:

۱. تواتر حدیث غدیر، در مجموعه: سفینه علوی، تهران: دانشگاه آزاد واحد تهران شمال،۱۳۸۰ (اصل آن، متن سخنرانی او در همایش لندن۱۴۱۰ قمری بوده است)

۲. نکاتی در باره احادیث فضائل – ترجمه بخش مسائل حول الفضائل، از کتاب السوانح. اصل آن گفتار در مجله علوم الحدیث شماره ۸ ص۱۹۹– ۲۱۲ به نقل از کتاب السوانح او آمده است و ترجمه آن در مجله امامت پژوهی شماره ۱۱ ص۳۱۴ – ۳۲۳ آمده است. آن گفتار نیز پاسخی به کلام ابوبکر ابن العربی معافری در کتاب او (عارضة

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.11.43.4.3]

الاحوذی در شرح صحیح ترمذی) است.

اکنون ترجمهٔ گفتاری از غماری عرضه می‌شود که در باب برتری حضرت فاطمه‌زهرا بر دیگر بانوان نوشته و اصل آن در مجله علوم‌الحدیث شماره ۱۴ص۱۶۲ تا ۱۸۲ منتشر شده بود. پاورقی‌ها را محقق متن (سیدحسن آل‌مجدد) افزوده است. ترجمه در برخی موارد که جنبه تکراری داشت، تلخیص شده و عبارات دعایی فراوان نیز نادیده گرفته شد تا پیوند معنایی کلمات، محفوظ بماند.

متن

ابوبکرابن‌العربی‌معافری در کتاب احکام القرآن در تفسیر آیهٔ "و تبتّل إلیه تبتیلا" (مزمل/۸) ضمن بحث خود می‌نویسد:

«از مصادیق آن، مریم عذراء است که "بتول" بود، یعنی: بانویی که منقطع از مردان بود. فاطمه دخت پیامبر را نیز بتول نامند، بدان روی که در فضیلت، دین، حسب و نسب، از زنان دیگر بریده بود. این سخنی است که شیعه ساخته‌اند، وگرنه میان مردم اختلاف است که کدام برترند: فاطمه یا عایشه. البته این مسئله مهم نیست، و هر دو در دیانت و جلالت، جایگاه والا دارند. و خدایمان بهتر می‌داند که کدام یک برتر و والاتر است». (احکام القرآن ج ۴ ص ۳۳۲)

در برابر این سخن باید گفت:

وقتی که نصّ رسول خدا در برتری فاطمه بر تمام بانوان جهان رسیده باشد، جایی برای اختلاف باقی نمی‌ماند. این سخن، قول الفصل است که همه سخن‌های دیگر را بر می‌چیند.

در این گفتار، می‌خواهیم این مطلب را نشان دهیم.

شیخ‌الحفّاظ و امیرهم، ابن‌حجر در شرح‌خود بر بخاری که هر گرهی را بدان گشوده، می‌گوید:

«گفته‌اند: اجماع بر افضلیت فاطمه منعقد شده و اختلافی که می‌ماند، در برتری میان

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.11.43.4.3]

عایشه و خدیجه است» (فتح الباری بشرح صحیح البخاری ج ۷ ص ۱۳۶).

این اجماع در نظر من صحیح است. هیچ مرد و زن مؤمنی را نسزد که پس از حکم خدا و رسول در امری، بابی در ردّ آن برای خود بگشایند، به بهانهٔ اینکه مسئله مورد اختلاف است. چنین کاری را نمی‌کند، مگر انسانی که ایمانش ضعیف و عقیده‌اش سست و دانش او اندک و جهل او گسترده باشد. زیرا اختلاف نتیجهٔ إعمال اندیشه در چنین موارد است که دلیل آن بر ما روشن نیست؛ بدین روی هر کسی به یک طرف متمایل می‌شود و اندیشه‌اش او را به سویی می‌کشاند.

کلام صریح پیامبر این مسئله را روشن ساخته است. هر سخن دیگر، مصداق "تقدّم بر خدا و رسول" است که خداوند متعال، ما را از آن باز داشته، و مؤمنان را به گردن نهادن در برابر نصوص حضرتش فرا خوانده است. این قاعدهٔ کلیدی در جاهای زیادی به کار می‌آید که باید مغتنم دانست.

اکنون به نصوصی می‌پردازیم که این مدعا را ثابت می‌کند:

۱. روایاتی که نشان می‌دهد که فاطمه سرور زنان جهانیان است که عایشه نیز در مجموعه این زنان جای دارد.

این حقیقت از چند طریق بیان شده است. من در اینجا بدون إسناد می‌آورم، زیرا افرادی که تخریج کرده‌اند، مشهورند و صحت حدیث روشن است. لذا نیازی به ذکر سند نیست. فایدهٔ سند، آن است که ما را به شناخت صحت یا ضعف مستند برساند. اما ضوابط کلی ما را از بیان سند بی‌نیاز می‌کند، مثلاً: روایت شدن حدیث در صحیح بخاری و مسلم، یا نقل حدیث با بیان وضع آن از جهت صحت و ضعف. این ما را از ذکر سند در تمام حالات، کفایت می‌کند؛ بدین‌روی حافظان حدیث نیز بدینگونه عمل کرده‌اند.

۱-۱. از عایشه: پیامبر در بیماری که بدان درگذشت، فرمود: «یا فاطمة! ألا ترضین أن

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.11.43.4.3]

تکونی سیدة نساء العالمین، و سیدة نساء هذه الأمّة، و سیدة نساء المؤمنین؟»

ای فاطمه! دوست نداری که سرور بانوان جهانیان، سرور بانوان این امت، و سرور بانوان مؤمن باشی؟

حاکم در مستدرک (ج۳ ص۱۵۶) آورده و گفته: «إسنادش صحیح است گرچه بخاری و مسلم نیاورده‌اند». ذهبی نیز بر کلام حاکم صحه گذاشته است.[۱]

۱-۲. از ابوهریره: پیامبر فرمود: «خیر نساء العالمین اربع: مریم بنت عمران، و آسیه بنت مزاحم، و خدیجة بنت خویلد، و فاطمة بنت محمد»

پیامبر، بهترین زنان جهان را چهار تن می‌شناساند: مریم، آسیه، خدیجه و فاطمه.

این حدیث را ابن عبدالبر در الاستیعاب فی معرفة الاصحاب (ج ۴ ص۳۷۶ -۳۷۷) آورده با این سند: عبدالوارث‌بن‌سفیان، از قاسم‌بن‌اصبغ، از ابوقلابه عبدالملک‌بن محمد رقاشی، از بدل بن محبّر، از عبدالسلام، از ابویزید مدنی، از ابوهریره.[۲]

۱-۳. از عبدالرحمن بن ابی لیلی، مرفوعا: «فاطمة سیدةنساءالعالمین بعد مریم بنت عمران و آسیة بنت مزاحم و خدیجة بنت خویلد»

فاطمه سرور زنان جهان است، بعد از: مریم، آسیه و خدیجه.

ابن ابی‌شیبه (المصنف، ج۶ ص۳۹۱) روایتش کرده است. البته مرسل است، ولی روایات پیشین بر این مضمون شهادت می‌دهد.

۱-۴. از عایشه: پیامبر در حدیث مسارّة[۳] به فاطمه فرمود: «یا فاطمة! أما ترضین أن تکونی سیدة نساء العالمین - أو سیدة نساء هذه الأمة- فضحکت»

۱. در کتاب الاصابة ج ۴ ص ۳۷۸ نیز آمده است

۲. در استیعاب ج ۴ ص ۳۸۵ از طریق انس نیز روایت شده است. احمد در مسند و طبرانی در المعجم الکبیر آورده اند. سیوطی در الجامع الصغیر صحت آن را گواهی کرده است.

۳ . حدیث مسارّة مربوط به نجوا کردن پیامبر در آخرین لحظات عمر شریف با حضرت فاطمه است که خبر از رحلت خود داد و فاطمه را گریاند، آنگاه به ایشان خبر داد که فاطمه نخستین کسی است که به پیامبر می پیوندد و فاطمه خندید. (مترجم).

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.11.43.4.3]

ای فاطمه! دوست نداری که سرور زنان جهان (یا: سرور زنان این امت) باشی؟ فاطمه خندید.

ابوداوود طیالسی در مسند خود (ج۶ ص۱۹۶) در بخش «مسند فاطمة بنت الرسول» روایتش کرده است.[1]

۱– ۵. از انس مرفوعا: «حسبک من نساء العالمین مریم بنت عمران و خدیجة بنت خویلد و فاطمة بنت محمد و آسیة امرأة فرعون»

چهار بانو از تمام زنان جهان (در فضل و کمال) کفایت است: مریم و خدیجه و فاطمه و آسیه.

احمد در مسند (ج ۳ ص ۱۳۵)، ترمذی در سنن (ج ۵ ص۷۰۳)، حاکم در مستدرک (ج ۳ ص۱۵۷)، ابن عبدالبرّ در الاستیعاب (ج ۴ ص ۲۸۵ و ۳۷۷)، ابن حبّان در صحیح خود روایتش کرده‌اند.[2] حاکم گوید: بر مبنای بخاری و مسلم صحیح است، گرچه به این لفظ نیاورده‌اند. ذهبی نیز این نظر را پذیرفته است. طحاوی نیز در مشکل الآثار (ج ۱ ص۵۰) نقل کرده است.

۲. فاطمه سرور زنان این امت و سرور زنان جهان است، که عایشه نیز در این عموم جای دارد.

۲–۱. از عایشه: پیامبر به فاطمه در ضمن حدیث مسارّة فرمود: «أما ترضین أن تکونی سیدة نساء المؤمنین أو سیدة نساء هذه الأمة». این حدیث را بخاری (ج ۸ ص ۷۹، کتاب الإستیذان، باب من ناجی بین‌الناس؛ ج ۴ ص۲۴۷ کتاب بدء الخلق، باب علامات النبوة) و مسلم (ج۴ ص۱۹۰۴ ح ۹۸، کتاب فضائل الصحابة، باب فضائل فاطمة) روایت کرده‌اند. و ما به لفظ مسلم آوردیم.

۲–۲. از ابوهریره: پیامبر فرمود: «إنّ ملکاً من السماء لم یکن زارنی، فاستأذن الله فی زیارتی فبشّرنی و أخبرنی أن فاطمة سیدة نساء أمّتی».

این حدیث را طبرانی روایت کرده و رجال آن به گفتهٔ هیثمی (مجمع الزوائدج۹ ص۲۰۱) رجال

۱. بخاری (ج ۸ ص ۷۹ کتاب الاستیذان)، مسلم (ج ۴ ص ۱۹۰۴ ح ۹۸) و به نقل از آنها در فضائل‌الخمسه ج ۳ ص ۱۶۹– ۱۷۱ آمده است.
۲ .در کتاب الاصابة ج ۴ ص ۳۷۸ از جابر روایت شده و در فضائل الخمسة ج ۳ ص ۱۷۶ –۱۷۷ نقل شده است.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.11.43.4.3]

صحیح هستند، بجز محمد بن مروان ذهلی که ابن حبّان او را توثیق کرده است.

۳. فاطمه دخت سرور آسمانیان و زمینیان است و خود، سرور بانوان بهشتی است که ام المؤمنین عایشه در عموم این صفت جای می‌گیرد.

این گروه احادیث بلیغ‌ترین ردّ و سنگین‌ترین نقد را بر کسانی دارد که می‌کوشند عایشه را همواره در کنار پیامبر و فاطمه را در کنار علی به عنوان امام جای دهند.

این نصوص، فاطمه را در سیادت و رفعت، برتر از تمام بانوان بهشتی قرار می‌دهد. بدین سان جایی برای سخن مخالف باقی نمی‌ماند و فقط جاهل سرکش یا ناصبیِ بی‌ایمان، از آن روی می‌گرداند.

این نص سبب می‌شود که عمومیت همراهیِ زنان با همسرانشان تخصیص بخورد، به گونه‌ای که به وسیلهٔ آنان، از همه خاصّ و عامّ برتر می‌شوند. ابن حزم و به تبعیت او، معافری به این مطلب تشبث کرده‌اند.[1] با اینکه معافری ابن حزم را دشمن می‌دارد، به جهت مطالبی بدون دلیل که در مذهبش می‌گوید. بدین روی، معافری و ابن حزم، با وجود مخالفت در موارد مختلف، در این خطا همراه شده‌اند و مورد نکوهش دیگران قرار گرفته‌اند.

از تقی‌الدین سُبکی- که سنی صوفی بود- پرسیدند: آیا می‌توان گفت که یکی از همسران پیامبر غیر از خدیجه و عایشه برتر از فاطمه‌اند؟ او در پاسخ می‌گوید: «این سخنی غیرقابل توجه است. چنین کسی همسران پیامبر را به علت همراهی با پیامبر در درجه‌اش در بهشت، برتر از تمام صحابه می‌داند. و چنین سخنی ساقط و مردود است» (فتح الباری ج ۷ ص ۱۷۳).

امیر الحفاظ پس از نقل این سخن می‌نویسد: «گویندهٔ این سخن، ابومحمد ابن حزم بوده که فساد کلام، ظاهر است» (همان).

---

۱. نویسنده در اینجا می‌نویسد: «المعافری النویصبی، و التصغیر هنا للتعظیم و لیس علی حقیقته».

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.11.43.4.3]

شگفتا! ابن‌تیمیه با وجود انحراف، ادبار، رویگردانی، و برودت از ناحیهٔ اهل‌بیت، این سخن ابن حزم و سخن پیشین او را رد کرده است؛ با اینکه اگر کلامی را همسان با مذهب و مراد خود ببیند، به کمتر از این نیز متمسک می‌شود.

ابن‌تیمیّه این سخن را نپذیرفته و در پاسخ ابن حزم، حکم می‌کند که این سخن را که «به دلیل برتری پیامبر خاتم بر دیگر پیامبران، مقام همسران پیامبرخاتم، بالاتر از مقام پیامبران است» هیچ کسی نگفته است.[۱]

البته ما در مورد این الزام، با ابن‌تیمیه همداستان نیستیم، و آن را از چندین جهت باطل می‌دانیم، از جمله اینکه همراهی همسران پیامبر با حضرتش، تبعی و عرضی است نه اصالتاً، چنانکه در مورد پیامبران و رسولان است. این به معنای افضلیت آنان در رتبه و مکانت و ارزش باشد. زیرا خدای تعالی فرمود: «و الذین آمنوا و اتبعتهم ذریتهم بإیمان، الحقنا بهم ذریتهم و ما ألتناهم من عملهم من شیء کلّ امرىء بما کسب رهین» (طور/ ۲۱).

بلکه هدف از نقل کلام ابن تیمیه آن است که بگوییم: معافری از خطای ابن حزم تبعیت کرده است. و این خطا را حتی فردی که طبع خنک و عقیده‌ای ضعیف در باره اهل‌البیت دارد، نمی‌پذیرد. بعد از اینکه او رفیقش را تنها گذارده، جای بحثی دیگر نمی‌مانَد. این رساترین مثلی است که برای خذلان می‌زنند. خداوند، من و تو را از آن در امان خود گیرد.

اینک متن پنج حدیث در این باب، در پی می‌آید:

۳–۱. از امّ سلمه امّ المؤمنین: پیامبر روز فتح فاطمه را فراخواند و با او نجوا کرد. فاطمه گریست. آنگاه با او سخن گفت و او خندید. پس از رحلت پیامبر، علت گریه و خنده را از او پرسیدم. فرمود: «أخبرنی رسول الله أنّه یموت، فبکیت. ثمّ أخبرنی أنّی سیّدة نساء اهل الجنّة إلّا مریم بنت عمران، فضحکت».

۱. این سخن را مدتی پیش در یکی از مجموعه‌های مخطوط موجود در کتابخانه والد دیده‌ام.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.11.43.4.3]

حدیث را ترمذی در سنن خود (سنن‌ترمذی ج۵ ص۵۱۳) روایت کرده و گوید: «حدیث حسن غریب من هذا الوجه». ابن‌عساکر نیز در تاریخ دمشق آورده با این اختلاف در لفظ که امّ سلمه گوید: «فلم أسألها عن شیء حتی توفی رسول الله»

۳–۲. از عبدالله‌بن‌عباس مرفوعاً: «افضل نساء اهل الجنة خدیجة و فاطمة و مریم و آسیة».

حدیث را نَسائی به إسناد صحیح آورده، چنانکه حافظ‌ابن‌حجر در شرح بخاری گوید (فتح الباری ج ۶ ص۵۴۳).

حاکم به این لفظ آورده که: روزی پیامبر چهار خط روی زمین کشید و پرسید: می‌دانید اینها چیست؟ گفتند: الله و رسوله أعلم. فرمود: «افضل نساء اهل الجنة اربعة: خدیجة بنت خویلد، و فاطمة بنت محمد، ... تا آخر حدیث»

حاکم گوید: إسناد این حدیث، صحیح است گرچه بخاری و مسلم نیاورده‌اند. ذهبی در تلخیص المستدرک نظر حاکم را تأیید می‌کند (المستدرک علی الصحیحین ج ۲ ص۴۹۷. نیز: مسند احمد ج ۱ ص ۲۹۳، ۳۱۶، ۳۲۲؛ الاصابة ج ۴ ص ۳۷۸؛ فضائل الخمسة ج ۳ ص ۱۷۴ –۱۷۵).

از طریق ابن عباس مرفوعاً روایت شده است: «سیدة نساء العالمین مریم، ثم فاطمة، ثم خدیجة، ثم آسیة» (الاستیعاب، ج ۴ ص ۲۸۵ و ۳۷۶).

حافظ‌ابن‌حجر گوید: حدیثی که دالّ بر ترتیب باشد، استوار نیست[۱] (فتح‌الباری ج۷ ص۱۶۸).

ابوعمر (ابن‌عبدالبرّ) گوید: از زبیر، از محمد بن‌حسین از درآوردی از موسی بن عقبه از کریب از ابن‌عباس که گفت: قال رسول‌الله: «سیدة نساء العالمین مریم، ثم فاطمة، ثم خدجة، ثم آسیة» (الاستیعاب ج ۴ ص ۲۸۵ و ۳۷۶)

ابن عبدالبرّ می‌افزاید: زبیر بدین‌گونه روایت کرده است. ابوداوود نیز آورده است، از عبدالله‌بن‌محمد نفیلی، از عبدالعزیز بن‌محمد، از ابراهیم بن‌عقبه، از کریب، از ابن عباس که رسول خدا فرمود: «سیدة نساء اهل الجنة بعد مریم بنت عمران فاطمة بنت محمد، و

۱. لیس بثابت.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.11.43.4.3]

خدیجة و آسیة امرأة فرعون»

ابن عبدالبر می‌افزاید: صحیح در إسناد و متن حدیث همین است. و روایت در آوردی از ابراهیم بن عقبه است نه موسی بن عقبه (الاستیعاب، همان).

۳–۳. از حذیفه: پیامبر فرمود: «ان هذا ملک لم ینزل الارض قطّ قبل هذه اللیلة، استأذن ربّه أن یسلّم علیّ و یبشّرنی بأنّ فاطمة سیدة نساء اهل الجنّة، و أنّ الحسن و الحسین سیّدا شباب اهل الجنّة».

احمد و ترمذی روایتش کرده‌اند و ترمذی آن را حسن دانسته است. (مسنداحمد ج ۵ ص ۳۹۱؛ سنن ترمذی ج ۵ ص۶۶۰. نیز بنگرید: المستدرک علی الصحیحین ج ۳ ص ۱۵۱؛ حلیة الاولیاء ج ۴ ص۱۹۰؛ کنز العمال ج ۶ ص ۲۱۷ – ۲۱۸ و ج ۷ ص ۱۰۲). متقی گوید: رویانی، ابن حبّان در صحیح خود، ابن عساکر، ابن جریر از حذیفه آورده‌اند. نیز گوید: طبرانی، ابن نجار، بزار از ابوهریره روایتش کرده‌اند (کنز العمال ج ۶ ص ۲۲۱ و ج ۷ ص ۱۱۱).

۳–۴. از ابوسعید، مرفوعاً: «الحسن و الحسین سیدا شباب اهل الجنة، و فاطمة سیدة نسائهم إلّا ما کان من مریم بنت عمران».

هیثمی گوید: احمد و ابویعلی با سندی آورده‌اند که رجال آن رجال صحیح بخاری و مسلم‌اند. حاکم نیز روایت کرده است (مجمع‌الزوائد ج ۹ ص۲۰۱، المستدرک علی الصحیحین ج ۳ ص ۱۵۴).

۳–۵. از عایشه: عایشه به فاطمه گفت: آیا بشارتت ندهم؟ من از پیامبر شنیدم که فرمود: «سیدات نساء اهل الجنة اربع: مریم بنت عمران و فاطمة بنت رسول الله و خدیجة بنت خویلد و آسیة».

حاکم روایتش کرده و صحیح دانسته و ذهبی نیز نظر حاکم را تأیید کرده است. (المستدرک علی الصحیحین ج ۳ ص ۱۸۵).

در این باب، احادیث فراوانی آمده که بدون شک، افادهٔ تواتر می‌کند. همین مقدار که نقل شد، در این گفتار کافی است.

۴. گمان نمی‌کنم پس از این همه، فردی منصف پیدا شود که در این حقیقت جدال

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.11.43.4.3]

کند که فاطمه دخت پیامبر، سیدة نساء العالمین است.

می‌گویند: چگونه فاطمه را بانوی تمام بانوان – بطور مطلق – می دانید، در حالیکه در بعضی روایات، این لفظ یا این مضمون آمده: «بعد مریم بنت عمران»؟ چگونه این سخن با آن روایت قابل جمع است؟

در پاسخ می‌گوییم: وجه جمع را طحاوی در مشکل الآثار بیان کرده است. وی گوید:

«محمد بن علی بن داوود، از مثنّی بن معاذ، از لیث بن داوود بغدادی، از مبارک بن فضاله، از حسن، از عمران بن حصین که گفت:

روزی از خانه بیرون آمدم. رسول خدا را دیدم. فرمود: فاطمه بیمار است، دوست داری به عیادتش بروی؟

گفتم: پدر و مادرم فدایت، چه کاری والاتر از این؟

فرمود: راه بیفت. پیامبر حرکت کرد و من همراهش می‌رفتم تا به خانه فاطمه رسید. فرمود: السلام علیکم، اجازه دارم وارد شوم؟

فاطمه گفت: و علیکم. وارد شو.

پیامبر فرمود: خودم و کسی که همراه من است؟

فاطمه گفت: سوگند به کسی که حضرتت را به حق برانگیخت، جز این عبا لباسی ندارم.

پیامبر، جامه‌ای کهنه داشت که به سوی فاطمه انداخت و فرمود: بر سر کن. او چنان کرد و سپس گفت: وارد شو.

پیامبر وارد شد و من همراهش. کنار سر فاطمه نشست و من نزدیک پیامبر. فرمود: دخترم! چه خبر؟

گفت: به خدا سوگند، ای رسول خدا، آنچه بر درد من می‌افزاید، اینکه خوردنی در خانه ندارم.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.11.43.4.3]

پیامبر گریست، و فاطمه و من همراه حضرتش گریستیم. آنگاه دو یا سه بار به فاطمه فرمود: صبر کن.

پس از آن فرمود: دخترم! آیا راضی نیستی که سیدة نساء العالمین باشی؟

فاطمه پرسید: مریم بنت عمران چه می‌شود؟

پیامبر فرمود: أی بُنیّة! تلک سیدة نساء عالمها، و أنت سیدة نساء عالمک، والذی بعثنی بالحقّ لقد زوّجتکِ سیداً فی الدنیا و الآخرة، لا یبغضه إلّا منافق (مشکل الآثار، ج ۱ ص۵۰ – ۵۱).

این حدیث می‌رساند که فاطمه سرور بانوان جهان است مطلقاً. متن حدیث نشان می‌دهد که زمان صدور حدیث، پس از حدیث مربوط به فضائل مریم بنت عمران بوده است؛ به این دلیل که وقتی پدر بزرگوار به فاطمه خبر می‌دهد که او سیدة النساء است، او می‌پرسد: پس مریم بنت عمران چه می‌شود؟ زیرا پیش از آن شنیده بود که مریم مقدّم بر اوست. لذا وقتی عموم برتری بر زنان را شنید، در این مورد از پیامبر پرسید که این لفظ را شنیده است: «آنها سیدة نساء العالمین بعد مریم». بدین روی، پیامبر خبر می‌دهد که مریم سرور زنان زمان خود بوده و فاطمه سرور بانوان زمان خویش است.

این سخن بعید نیست. توضیح اینکه روزی پیامبر فرمود که فاطمه سرور بانوان جهان است بعد از مریم؛ و این زمانی بود که خداوند، مرتبهٔ بعدی را به حضرتش خبر نداده بود. وقتی مرتبهٔ بعدی را به او خبر داد، پیامبر فرمود که مریم سیدة النساء در زمان خود بود.

وقتی روشن شد که مریم سیدة النساء فقط در زمان خود بود، فاطمه سیدة النساء بطور مطلق می‌شود؛ زیرا در محلّ خود ثابت شده که امت اسلام، بهترین و برترین امّت است. پس بطور کلّی از امتهای گذشته برتر است و افراد خاصّ آن نیز برتر از افراد خاصّ که مانند آنها در امتهای پیشین بوده‌اند. خدای حکیم می‌فرماید:

«و کذلک جعلناکم امة وسطاً لتکونوا شهداء علی الناس» (بقره /۱۴۳)

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.11.43.4.3]

«کنتم خیر امة اخرجت للناس» (آل عمران/۱۱۰)

هیچ عاقلی در این کلام شک نمی‌کند، پس خوب فرا گیر و در آن نیک بنگر و تردید ناصبی را در دل راه مده.

۵. خواندیم که ابن عربی معافری نتوانسته به قطعیت برسد و گفته: «خدوند بهتر می‌داند که برتر و والاتر کیست».

در پاسخ او می‌گوییم: خدای علیم اعلی خود به واسطهٔ پیامبر صادق و مصدّق، به ما خبر داده که فاطمه سرور بانوان جهان، سرور بانوان بهشتی، و سرور بانوان مؤمن است. در مورد برتری آن جناب بر دیگران، ما سخنی از خود نگفتیم، وگرنه پیروی از خواستهٔ شخصی کرده بودیم؛ بلکه عین نصّ را پی گرفتیم. و این برای ما کافی است.

گوینده‌ای که تردید می‌کند، بدون نصّ و دلیل، توقّف کرده و باید پاسخگوی کلام خود باشد که چرا از این نصوص روی می‌گرداند. دیدیم که حتی ام‌المؤمنین عایشه چنین افرادی را تکذیب می‌کند و می‌گوید:

«ما رأیت أفضل من فاطمة غیر أبیها» (مجمع الزوائد ج ۹ ص ۲۰۱ نقل از طبرانی در: المعجم الاوسط)

عایشه این کلام را بطور عام می‌گوید، بدون اینکه تخصیص بزند. پس چرا پیرو و دوستدار او سکوت کند و تردید به دل راه دهد؟

این بر اساس نصّ بود. از جهت عقل نیز مطلب روشن است:

فاطمه پارهٔ تن رسول خدا است، و جزئی از وجود شریف او. پس چگونه کسی بر او برتری یابد؟ جزء همیشه حکم کلّ را دارد و فرع از شرافت اصل برخوردار است، چنانکه پیامبر در حدیث صحیح فرمود: «فاطمة بضعة منی، یریبنی ما أرابها».

عقیده به تفضیل دیگران بر آن جناب، خروج از دلیل عقل صحیح و نظر سالم سائب است. بدین‌روی، از یکی از حافظان حدیث در سدهٔ سوم پرسیدند که عایشه برتر است یا فاطمه؟ پاسخ داد: فاطمه پارهٔ تن پیامبر است (بضعة من رسول الله) و من کسی را برتر

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.11.43.4.3]

از پارهٔ تن پیامبر نمی‌دانم.[1]

این سخن حقّ است که عقل و نقل تأیید می‌کنند و ژرف‌نگری بر آن گواه است.

۶. در حدیث صحیح وارد شده است: «**فضل عائشة علی النساء کفضل الثرید علی سائر الطعام**» (صحیح بخاری همراه با شرح فتح الباری ج ۷ ص ۱۳۳، ج ۹ ص ۴۶۲ و ۴۶۶؛ مجمع الزوائد ج ۹ ص ۲۴۳).

شاید سخن ابن‌عربی در کتاب عارضةالاحوذی بشرح ترمذی (ج۷ ص۲۱۳) که در تفضیل عایشه گفته، ناظر به همین حدیث باشد. اما این استناد، استوار نیست.

حافظ ابن حجر گوید: «این حدیث، تصریح به افضلیت عایشه بر دیگران ندارد، زیرا فضیلت ثرید بر دیگر غذاها به جهت آسانی تهیه و آماده‌سازی آن است. و این بهترین غذا در آن روزگار بود. ولی این دلیل بر افضلیت در تمام جهات نیست، بلکه بعضی از طعامها به جهت دیگر بر آن برتری دارند» (فتح الباری ج ۶ ص ۵۱۵).

حافظ ابن حجر در جای دیگر گوید: «فضیلت عایشه در جای خود کاملاً روشن است، ولی دلیل بر افضلیت مطلق نیست. ابن حبّان اشاره کرده که افضلیّت او که این حدیث و احادیث دیگر می‌رساند، با افضلیت دیگر همسران پیامبر، مقیّد می‌شود و فاطمه از آن مستثنی می‌شود؛ تا بتوان بین این حدیث با حدیث دیگر جمع کرد که فرمود: **افضل نساء اهل الجنة خدیجة و فاطمة**» (فتح الباری ج ۷ ص ۱۳۴–۱۳۵).

طحاوی گوید: «گفته‌اند: در حدیث آمده است: «**کمل من الرجال کثیر، و لم یکمل من النساء إلّا مریم بنت عمران و آسیة امرأة فرعون، و إنّ فضل عائشة علی النساء کفضل الثرید علی سائر الطعام**». می‌بینیم که در میان زنانی که پیامبر به کمال ستوده، نام فاطمه نیامده است.

در پاسخ می‌گوییم: احتمال دارد که این حدیث قبل از بلوغ فاطمه بوده و پیش از آنکه برای رتبه‌ای که پیامبر او را بدان ستوده، شایستگی یابد. اما پس از آن به چنین رتبه‌ای رسیده است. پس به حمد الهی در میان تمام آنچه در این باب روایت می‌کنیم، تضاد

۱. این سخن، هم از امام مالک نقل شده (مرقاة المفاتیح ج ۵ ص ۵۹۲) و هم از ابوبکر بن ابی داوود (مرقاة المفاتیح ج ۵ ص ۳۴۸ و شرح الفقه الاکبر ملا علی قاری ص۲۱۹). مراد مؤلف، ابن ابی داوود است.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.11.43.4.3]

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.11.43.4.3]

برداشته می‌شود. اصولاً در مورد تمام فضیلت‌هایی که برای دیگر بانوان غیر از فاطمه یاد شده، این احتمال می‌رود که در زمان خردسالیِ فاطمه بیان شده‌اند، سپس فاطمه به جایگاهی رسیده که خدا خواسته و برایش قرار داده است، چنان جایگاهی که خداوند او را بدان یاد کرده و به زبان پیامبرش بدان خبر داده است» (مشکل الآثار ج ۱ ص ۵۱ – ۵۲).

بر سخنان ابن حجر و طحاوی می‌افزاییم: پاسخ قطعی به اشکال ابن عربی در آنجا است که در حدیث شریف پس از مریم بنت عمران، از خدیجه و فاطمه نام می‌برد.

اسانید این حدیث:

الف. طبرانی از یوسف بن یعقوب قاضی از عمرو بن مرزوق از شعبه، به سندی که طحاوی یاد کرده است.

ب. ابونعیم در حلیة الاولیاء ضمن شرح حال عمرو بن مرّة که یکی از راویان حدیث در طریق طبرانی است.

ج. ثعلبی در تفسیر خود، از طریق عمرو بن مرزوق.

نیز بنگرید به احادیث انبیاء که ابن حجر در فتح البری ج ۶ ص ۵۱۵ آورده است.

ورود این افزونی در حدیث، از طرق یادشده، اشکال را برطرف می‌کند و موضوع حل می‌شود. و الحمد لله رب العالمین.

۷. پس از نگارش مطلب پیشین به سخنی از بدرالدین زرکشی دست یافتم که در کتاب «الإجابة فی ما استدرکته عائشة علی الصحابة» می‌گوید:

«استاد ابومنصور بغدادی از پیشوایان اصحاب ما، در کتاب «الأصول الخمسة عشر» کلامی در فضیلت عایشه و فاطمه سخن گفته است. گوید: شیخ ما ابوسهل محمد بن سلیمان صلعوکی و پسرش سهل، فاطمه را بر عایشه برتری می‌دادند. شافعی همین گونه عقیده داشت و حسین بن فضل رساله‌ای در این مورد نوشته است.

زرکشی گوید: در این مطلب تردید نیست. پیامبر فرموده است: «فاطمة بضعة منی»[1] روشن است که پارهٔ تن پیامبر با هیچ‌کسی برابری نمی‌کند چنانکه ابوداوود گفته است.[2]

زرکشی ادامه می‌دهد: می‌گویند: روایت شده است: «کلّ مع صاحبه فی الدرجة». پس اگر عایشه همراه پیامبر در درجهٔ او باشد، و فاطمه با علی در درجهٔ او، تفاوت میان درجهٔ آنها روشن است.

در پاسخ می‌گوییم: امام [امام‌الحرمین‌جوینی] در کتاب الشامل گوید: این سخن درست نیست، زیرا بدیهی است که عایشه در درجهٔ نبوت مانند پیامبر نیست.

می‌گویند: یعنی در منازل اتباع.

زرکشی پاسخ می‌دهد: این قضیه متأصلهٔ را به دست نمی‌دهد. اگر فضیلت به این اندازه به دست آید، به تمام خدمتکاران پیامبر سرایت می‌کند. در حالیکه چنین نتیجه‌ای غلط است.

نویسنده گوید: این مضمون را در ردّ خود گفته بودم. اکنون خدا را سپاس می‌گویم بر همداستانیِ خود با این پیشوای دانشمند.

۸. نصّ نیز بر عدم اضطراد دلالت می‌کند، چنانکه ذیل حدیث «فاطمة سیدة نساء اهل الجنة و سیدة نساء العالمین» آوردیم. ابن عربی معافری پس از اینکه به اختلاف در مورد افضلیت خدیجه و فاطمه و عایشه اشاره می‌کند، می‌گوید: «در نظر من، عایشه بر همه آنها مقدم است، زیرا پدرش را بر همسر فرد دیگر [یعنی علی همسر فاطمه] در دنیا و آخرت برگزید» (عارضة الاحوذی ج ۷ ص ۲۱۳).

آنچه گفتیم، پاسخی گویا و کلامی رسا در جواب چنین فردی است. اما جا دارد بپرسیم: این فرد در پیروی نواصب به کجا می‌رود؟ او را به کجا می‌کشانند و چگونه به

۱. این روایت در چند کتاب آمده است، از جمله: صحیح بخاری، مسند احمد، مستدرک حاکم، چنانکه سیوطی در الجامع الصغیر آورده است. بنگرید: فضائل الخمسه من الصحاح السته ج ۳ ص۱۸۴ –۱۸۷.

۲. پیشتر اشاره شد که "ابن ابی داوود" صحیح است.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.11.43.4.3]

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.11.43.4.3]

مهلکه‌ها می‌افکنند؟ این کلام گمراهی او را نشان می‌دهد. اگر افضلیت به مقایسهٔ پدران است، چگونه عایشه را بر فاطمه ترجیح می‌دهد؟ آیا معافری ابوبکر را برتر از پیامبر می‌داند؟ اینگونه سخن گفتن، تهوّر در کلام است، بدون تدبّر و تفکّر. گویی گوینده در زمان نوشتن این سخن، قدرت فهم خود را از دست داده است.

اگر افضلیت عایشه به این دلیل است که فرزند ابوبکر است، چرا فاطمه را برترین ندانیم، به این دلیل که فرزند پیامبر خاتم است؟

همین‌گونه است کلامش در تفضیل عایشه بر خدیجه که دلیلی استوار بر آن ندارد.

۹. کسی که شرح معافری بر ترمذی را ببیند، شگفتی‌ها می‌بیند و به روشنی می‌یابد که در دل او یک ذره از محبت خاندان پیامبر راه نیافته، با اینکه محبت آنان نشانهٔ ایمان و دشمنی با آنها نشانهٔ نفاق است. بلکه رسول خدا در مورد آنان فرمود: «أحبّونی لحبّ الله، و أحبّوا أهل بیتی لحبّی»[۱]

گواه این مدّعا اینکه وقتی معافری در مورد امامش معاویه سخن می‌گوید، می‌کوشد کار او را توجیه کند و برایش عذر بتراشد. در کنار این، روایات مربوط به فضائل را بی‌دلیل ردّ می‌کند چون نمی‌تواند بپذیرد.

به عنوان نمونه حدیث ترمذی را می‌آورد که در باب فضائل فاطمه از بریده روایت می‌کند که گفت: «کان أحبّ الناس إلی رسول الله فاطمة، و من الرجال علی». ترمذی ذیل حدیث می‌نویسد: این حدیث حسن غریب است. (سنن ترمذی ج ۵ ص ۶۹۸)[۲]

معافری می‌نویسد: «محبوب‌ترین مرد نزد پیامبر، ابوبکر بود؛ محبوب‌ترین همسر، عایشه؛ و محبوب‌ترین فرد خانواده نزد پیامبر، فاطمه بود. علی نیز یکی از مردان

---

۱. ترمذی و حاکم – به نقل سیوطی در الجامع الصغیر –روایتش کرده اند. هر دو تن حدیث را صحیح می‌دانند و ذهبی نیز این نظر را تأیید کرده است.

۲.نیز بنگرید: خصائص نسائی ص ۲۹، الاستیعاب ج ۴ ص ۳۷۸، مستدرک حاکم ج ۳ ص ۱۵۵، حاکم حدیث را صحیح الإسناد دانسته و ذهبی این نظر را تأیید می‌کند.

خانواده بود ...» (عارضة الاحوذی ج ۷ ص ۲۰۹).

این سخن دروغ است. معافری ادعای ادلّه در این مورد کرده ولی هیچ دلیل و برهانی در این مورد نیست. تنها سخن این است که او نمی‌تواند سخن روشن این حدیث حسن را بپذیرد. به دلیل گرایش ناصبی که دارد و در تمام کتابهایش نشان داده است. امیدوارم خداوند به من توفیق دهد که در رساله‌ای جداگانه بدان بپردازم.

منابع

۱.ابن ابی شیبه، ابوبکر عبدالله بن محمدبن ابی‌شیبه. المصنّف. تحقیق: محمد عبدالسلام شاهین. بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۶.

۲.ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی بن حجر. الاصابة فی تمییز الصحابة. ۱۳۲۸.

۳. ---------فتح الباری بشرح صحیح البخاری. مصر: دار الریان للتراث، ۱۴۰۷.

۴.ابن حنبل، احمد. مسند. قاهره: المیمنیة، ۱۳۱۳.

۵.ابن عبدالبر نمری قرطبی. الاستیعاب فی معرفة الاصحاب. در هامش الاصابة. ۱۳۲۸.

۶.ابن عربی معافری، ابوبکر محمد بن عبدالله. احکام‌القرآن. تحقیق: محمد عبدالقادر عطا. بیروت: دارالکتب‌العلمیة.

۷. ---------- عارضة الاحوذی بشرح جامع الترمذی. ضبط و توثیق: صدقی جمیل عطار. بیروت: دار الفکر، ۱۴۱۵.

۸. ترمذی، ابو عیسی محمد بن عیسی بن سورة. سنن الترمذی. تحقیق: ابراهیم عطوة عوض. قاهره: مصطفی البابی الحلبی.

۹. حاکم نیشابوری. المستدرک علی الصحیحین. حیدر آباد، ۱۳۴۴.

۱۰.طحاوی، ابوجعفر احمد بن محمد بن سلامه. حیدر آباد، ۱۳۳۳.

۱۱.فیروز آبادی، سید مرتضی بن محمد. فضائل الخمسة من الصحاح الستة. بیروت: اعلمی، ۱۴۰۲.

۱۲.قاری، علی بن سلطان محمد. مرقاة المفاتیح لمشکاة المصابیح. مصر: المیمنیة، ۱۳۰۹.

۱۳.نسائی. خصائص امیرالمؤمنین. مصر: التقدم، ۱۳۴۸.

۱۴. هیثمی، نورالدین علی بن ابی‌بکر. مجمع الزوائد و منبع الفوائد. قاهره: مکتبة القدسی.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.11.43.4.3]